

## شرایط و صفات قضاوت در فقه امامیه ، و تطبیق آن با قوانین جمهوری اسلامی ایران

آیت‌اله اسماعیلی<sup>۱</sup>

### چکیده

قضاوت از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین امور هر جامعه است، اساس هر حکمی و انشای هر رأی و تصمیمی به دست قاضی است. در دین مبین اسلام و مذاهب آن، ویژگی‌ها و شرایط خاصی برای قضاوت در نظر گرفته شده است. در فقه امامیه، شرایط و ویژگی‌های قضاوت از جمله: بلوغ، عقل، عدالت، اسلام و طهارت مولد از اوصاف الزامی و مورد اتفاق است. قضاوت از جمله موارد مهم و مورد تأکید در اسلام است که برای پذیرش آن ضوابط و توصیه‌هایی در قرآن و روایات آمده است، جمهوری اسلامی ایران بعد از استقرار، قوانین خود را بر اساس مبانی فقه اسلامی ترسیم نمود. در این مقاله پس از بیان شرایط و صفات قضاوت در قرآن و روایات، به همین ویژگی‌ها در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز اشاره شده است. هدف از این مقاله اینست که ویژگی‌ها و شرایط قضاوت در فقه امامیه را بررسی و سپس آن‌ها را با قوانین جمهوری اسلامی ایران تطبیق دهد، این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، که قوانین کشور تبعیت از منابع فقهی داشته و باید در راستای اجرای عدالت همگانی، علم و دانش، همچنین حقوق و استقلال قضات، تلاش بیشتری شود.

**کلیدواژه:** قضاوت، ویژگی‌ها، فقه امامیه، قوانین جمهوری اسلامی

### مقدمه

یکی از موارد مهم و ارزنده در بحث حکومت‌ها، قانون‌گذاری و اجرای صحیح قوانین و نحوه برخورد با مصادیق جرایم و تخلفات می‌باشد، یکی از لوازم آن حضور افرادی است که می‌بایست ضمن شناخت قوانین، بتوانند با استفاده از این ظرفیت، با متخلفین و مجرمین برخورد شایسته نموده، منصب قضاوت از مناصب بسیار عظیم و دارای جایگاه خطیری است که تصدی آن منوط به داشتن شرایط، توان و آگاهی‌های خاصی است؛ منصبی که اشتغال نابجای آن ممکن است شاغل را به شقاوت و آتش رهنمون نماید. امیرالمؤمنین -علیه السلام- به شریح فرمود: **يَا شَرِيحُ! قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا لَا يَجْلِسُهُ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ أَوْ شَقِيٌّ** (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵) قضاوت حق اشخاص دانشمندی است که قضاوت اسلامی را بدانند، عدالت داشته باشند، تقوا داشته باشند، بفهمند که با چه مطلبی سر و کار دارند؛ به چه کار بزرگی، مشغول می‌شوند. یک لغزش، گاهی یک کشور را از بین می‌برد و از آن طرف هم یک کار خوب یک کشور را روشن می‌کند. طبق منابع فقهی نصب قضات از دو راه امکان

<sup>1</sup> دکتری فقه و حقوق اسلامی، گروه معارف دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا(ص)، تهران، ایران

دارد: الف) نصب خاص که معصوم(ع) در زمان خود افراد واجد شرایط را به منصب قضا نصب می نمایند. ب) نصب عام که در زمان غیبت معصوم(ع)، آنان به فقهای جامع شرایط اذن عام قضاوت می دهند و این مطلب مفاد خبر ابی خدیجه و غیره می باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام قضایی کشور به سمت و سوی مبانی فقهی تغییر جهت داد و اگر قوانین فعلی و قواعد و مبانی فقهی امامیه مورد بررسی قرار گیرند این امر مسجل می شود.

امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله قضاوت را دارای شأن بزرگی می داند. تمام روایت، احادیث و سخنان دین نشان دهنده آن است که مختص بودن مقام قضاوت پیامبر و جانشینان ایشان ارزش و اعمال دادرسی را دارد؛ و در صورت غیبت امام فقیه جامع شرایط باید به این مهم اشتغال ورزد و در صورت نبود فقیه عادل، آنگاه هر کس که بر خود اعتماد داشت و شرایط لازم را برای قضاوت نیز داشته باشد. می تواند بین مردم به قضاوت بپردازد؛ شرایط تصدی قضاوت در نظام مقدس اسلام ۲۷ مورد می باشد که به دو دسته واجب و مستحب تقسیم می شوند که برخی از شروط واجب عبارتند: از بلوغ، عقل، طهارت مولد، مرد بودن، ایمان، عدالت و ... در این مقاله ما با توجه به حساسیت مبحث قضاوت، ضمن تعریف مفاهیم آن در لغت و اصطلاح، به منظور آشنایی با شرایط و ویژگی های قضاوت به قرآن و روایات از دیدگاه فقه امامیه به تطبیق آن با قوانین جمهوری اسلامی می پردازیم.

## 1-1- قضا در قرآن و روایات

ریشه واژه "قاضی" و "قضاوت"، "ق-ض-ی" است. (فراهیدی، 1409ق، ۱۸۵). در قرآن کریم از ریشه "قضى" مجموعاً ۶۳ کلمه در ۲۹ سوره و ۵۹ آیه به کار رفته است، ریشه "ق ض ی" از جمله ریشه های چند معنایی است. (بیات و دیگران، 1396، 45) ترکیب قرآنی که مفهوم "داوری" را از ریشه به دست می دهد، "قضى" و "بین" است چنانکه در آیه ۲۱ شورا، ترکیب "لقضى بینهم" معنای داوری می دهد. در قرآن کریم ریشه "ح ک م" در چند موقعیت جانشین ریشه "ق ض ی" در ترکیب های قرآنی مشابه شده است. "آیه ۱۱۳ سوره بقره" اصل ریشه "ح ک م" به معنای "منع" است. (ابن فارس، بی تا، جلد ۲، ۹۱) هر نوع از انواع منع کردن، مصداق "حکم" نیست بلکه "حکم" عبارت از منعی است که برای اصلاح صورت می پذیرد. (راغب اصفهانی، 1412ق، ۲۴۸). کلمه "الحکمه" به معنای عدل، علم و حلم است. (فراهیدی، 1409ق، ۶۶) از آن رو "حکم" را قضا گفته اند که قاضی حکم را میان دو نفر قطعی می کند. (راغب اصفهانی، 1412ق، ۶۷۵) خداوند در قرآن خود را "حکیم" (آیه ۲۰۹ سوره بقره) و "خیر الحاکمین" (آیه ۱۰۹ سوره یونس) و در گفتار پیامبران، آنان او را "احکم الحاکمین" (سوره هود آیه ۴۵) یا "خیر الحاکمین" (سوره اعراف آیه ۸۷) می خوانند. (بیات و دیگران، 1396، 47)

از دیدگاه قرآن، داور و قاضی و حاکم، خداست و کسانی که از سوی او به داوری و قضا می نشینند و هر چه غیر آن است حکم جاهلیت و داوری طاغوت و شیطان می باشد. در قرآن مجید لفظ قضا بر معنای متعددی اطلاق گردیده است (سنگلجی، 1347، ۵-۸) که به شرح جدول ذیل می باشد:

ردیف	معنا	آیه
1	اراده نمودن	«و اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون» (بقره، آیه ۱۱۷): هستی بخش آسمانها و زمین اوست و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر می کند می گوید: موجود باش و او فوراً موجود می شود

2	امر کردن	« و قضی ربک ان لاتعبد الا اياه» (اسری، آیه ۲۳): پروردگارت فرمان داده که جز او چیزی را نپرستید.
3	فعل	فاقص ما انت قاض ( طه، آیه ۶۵)، هر فعلی که می‌خواهی بکن.
4	اعلام کردن	و قضینا الیه ذلک الامر. (حجر، آیه ۶۶) ما به لوط چگونگی این امر را اعلام کردیم

صاحب جواهر نیز ده معنا برای واژه قضا در قرآن ذکر نموده که آن معانی به شرح ذیل می‌باشد: ۱- حکم کردن مانند آیه ۶۵ سوره نسا. ۲- عمل و فعل مانند آیه ۷۲ طه. ۳- آشکار کردن آیه ۶۸ سوره یوسف. ۴- اعلام کردن آیه ۶۶ حجر. ۵- قطع و حتم، آیه ۱۴ سبا. ۶- فرمان دادن و امر کردن، آیه ۲۳ اسرا. ۷- اراده کردن، آیه ۱۷ بقره. ۸- خلق کردن و آفریدن آیه ۱۲ فصلت. ۹- به پایان رساندن، ۲۹ قصص. ۱۰- فراق و فصل خصومت، آیه ۴۱ یوسف. (نجفی، ۱۴۱۷ق، ۳۶۸)

در روایات اسلامی، داوری با صراحت بیشتری در ابواب قضا بیان شده از جمله: حدیث اول - امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: « اتقوا الحكومة فان الحكومة انما هی للامام العالم بالقضاء العادل فی المسلمین، نَبِیُّ اوَّصِیِّ نَبِیِّ » (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸) از قضاوت بپرهیزید، چرا که قضاوت و داوری مخصوص امام آگاه به اصول قضا، و عادل در میان مسلمانان است (آری) برای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا وصی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.

حدیث دوم امیرالمؤمنین (علیه السلام) به شریح می‌فرمایند که: یا شَرِیحُ! قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا لَا یَجْلِسُهُ إِلَّا نَبِیُّ اوَّصِیِّ نَبِیِّ اوَّصِیِّ ای شریح! جایی نشسته‌ای که در آنجا کسی نمی‌نشیند جز پیامبر، یا وصی پیامبر، یا شقی دور از سعادت. (حر عاملی، ۱۷)

حدیث سوم: امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: « و الحكم لا یصح الا باذن من الله و برهانه » (گیلانی، ۱۳۸۷، ۴۱) حکم و داوری صحیح نیست مگر به اذن و اجازه و برهان الهی.

## 2-1- ویژگیها و شرایط قضاوت در فقه امامیه

در سیر تاریخی، نصب و تعیین قضات از حقوق خلیفه و سلطان بود؛ از منظر فقهی، جلوس در منصب قضا از جانب کسی است که حق قضاوت شرعا به وی تفویض شده است و بعد از آن، ولایت این تعیین و انتخاب برای هیچ‌کس ثابت نیست، مگر هنگام ضرورت و هر عقدی که غیر این روش منعقد شده باشد، باطل است. (ابن عابدین، ۱۴۲۱ ق، ۳۳۸) نخستین اندیشمندان مسلمان حوزه علوم اجتماعی بر این باور بودند که منصب قضا از پایگاه‌هایی که داخل در حیطه وظایف خلیفه است، زیرا پایگاه قضا و داوری برای برطرف کردن خصومت‌های مردم است، بدین سان که دعاوی آنان بر یکدیگر فصل شود و مشاجرات ایشان قطع. قضاوتی منطبق بر احکام شرعی مستخرج از کتاب (قرآن) و سنت (احادیث) که در جرگه امور حاکمیتی قلمداد می‌شد و خلفا در صدر اسلام به گاه خودشان آن را عهده دار می‌شدند. (ابن خلدون، ۱۳۹۳، ۴۲۳). (زعفری و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۱۱)

امر قضا و قضاوت از جمله امور مورد تاکید حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ابتدای تشکیل حکومت قرار گرفت، و در برخی موارد از جمله امر قضاوت یمن را به حضرت علی (علیه السلام) سپردند و خود نیز به قضاوت می‌پرداختند، بعد از رحلت آن بزرگوار امر قضاوت نیز مورد تاکید حکومت‌های اسلامی و سایر معصومین (علیهم‌السلام) به اشکال مختلف بوده است. قاضی شریح، قاضی القضاات دوران خلفای راشدین و امویان بود، تغییر سیاست در دوران اولیه اسلامی، سبب دخالت در امر قضاوت و مقام قضایی نمی‌شد در این دوران کسانی می‌توانستند در جامعه اسلامی در منصب قضاوت بنشینند که منصوب

و ماذون از طرف امام یا خلیفه مسلمین باشند، به طور کلی در صدر اسلام، انتصاب از جانب امام یا خلیفه مسلمین هم به دو طریق صورت می‌گرفت: ۱- نصب خاص ۲- نصب عام، نصب خاص بدین گونه بود که برای شهر یا منطقه خاص قاضی منصوب می‌کرد و در عام نیز اشخاص جامع شرایط و مجتهد اجازه حل و فصل اختلافات را داشتند. (نعمتی، ۱۳۸۴، ۵۶)

امیر مؤمنان (علیه السلام) در عهدنامه‌اش به مالک اشتر مینویسند که: « برترین افراد نزد خودت را برای قضاوت انتخاب کن، کسی که از زیادی کار خسته نشود و به تنگ نیاید، کثرت مراجعین و گفته‌هایشان او را خودرأی و لجباز نسازد، در صورت وقوع اشتباه از او بر آن اصرار نوزد، و آنگاه که حق را شناخت، عاجز از اقرار به اشتباه نباشد، چشم طمع به مال مردم ندوزد، در هنگام صدور حکم به فهم ابتدایی و نارسا اکتفا نکند، در موارد شک و شبهه، احتیاط و توقفش زیادترا از دیگران باشد، به ادله متخاصمین توجه بیشتر کند، از مراجعه خصم کمتر به ستوه آید، در کشف حقایق (از دیگران) شکیباتر، و هنگام روشن شدن حق قاطع‌تر باشد، از کسانی باشد که تحت تأثیر تعریف و چاپلوسی واقع نشود و از حکم به حق کوتاه نیاید، و با تحریک دیگران میل به ناحق نکند. قضاوت را به چنین کسی واگذار، ولی بدان که آن قاضی که دارای این کمالات باشد کمیاب است (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۳۴).

مسأله قضا و قضاوت همان‌طور که نقل شد در اسلام و ادیان الهی تأکید بسیار بر آن شده است، زیرا از طریق آن می‌توان اجرای قسط و عدل نمود. پیامبر اکرم (ص) در اهمیت آن می‌فرمایند: کسی که امری از امور مسلمین را عهده‌دار شود در حالیکه برتر از او در میان مسلمانان است به خدا و رسولش و همه مسلمین خیانت کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۸، ۱۸) حضرت علی (ع) پس از گماردن شریح حادث کندی به داوری چنین می‌فرمایند، « ای شریح تو درجایی نشسته ای که جز پیامبر یا جانشین او شخصی بر آن نمی‌نشیند» (حرعاملی، ۱۴۰۱، ۱۶۷)

ردیف	اوصاف قاضی در منظر حضرت علی (علیه السلام)
1	« قاضی باید از کسانی باشد که از نظر وسعت اطلاعات، در مقامی باشد که تراکم قضایا او را در تنگنا قرار ندهد.»
2	« در عین نیازمندی، از چنان مهارت و غنای طبعی برخوردار باشد که مغلوب آزد و طمع نگردهد»
3	« در موارد مشتبّه، جانب احتیاط را نگه دارد و درنگ کند تا به اصل مطلب پی ببرد»
4	« از آمد و شد اصحاب دعوی، کمتر به ستوه آید.»

فساد باعث تباهی و نابودی می‌شود و اگر این فساد بین عالمان و قضات باشد، زودتر و بیشتر اثر خواهد داشت؛ جوامعی که در آنها قاضیان فاسد بر سر کارند و شرایط قضاوت را ندارند، گرفتار فساد و تباهی و اختلاس و رشوه و تجاوز به حقوق فردی و ملی هستند نه تنها از جهات معنوی روبه رشد نیستند، بلکه از جهت امور مادی نیز عقب مانده خواهند ماند. محقق خوئی شارح نهج البلاغه می‌نویسد: «اذا فسد العالم فسد العالم؛ زمانی که عالم فاسد شد عالم نیز فاسد می‌گردد». (خوئی، ۱۴۰۰: ۱۸۶/۶).

نگاه گسترده و وسیع پیشوایان اسلام به صفات عالم و قاضی چشم‌انداز سعادت و شقاوت یک جامعه را معین می‌کند. به وضوح می‌بینیم جوامعی که نهاد قضاوت در آنها مستقل و قوی است و اکثر مردمش پایبند به اجرای قانون هستند و به غیر از افراد

اندکی که مشکل اجتماعی دارند، کسی از عمل به قانون خودداری نمی‌کند و در وجودشان نهادینه شده است. علت این مطلب، واقعی بودن قضاوت‌ها بر اساس قانون است و به دنبال آن همه نهادهای دولتی و غیردولتی عملشان را مطابق با قانون انجام می‌دهند. از این رو جامعه‌ای رو به رشد در همه جهات دارند.

### 3-1- شرایط قاضی

فقها و اندیشمندان امامیه برای شخصی که می‌خواهد منصب شریف قضاوت را به عهده بگیرد با استفاده از کتاب و سنت، شرایطی را بیان کرده‌اند. شیخ طوسی می‌نویسد: سزاوار است که، کسی امر قضاوت را به عهده نگیرد مگر اینکه مطمئن باشد توان قیام به این کار را دارد. کسی می‌تواند چنین ادعایی را داشته باشد که عاقل، کامل، عالم به علوم قرآن از ناسخ و منسوخ، عام و خاص، واجب و مستحب و محکم و متشابه آن باشد و همین‌طور به سنت و ناسخ و منسوخش عارف باشد و در فهم لغت و ادبیات عربی مهارت داشته باشد، از امور حرام پرهیزد و نسبت به دنیا زاهد و سعی و همتش بر انجام اعمال صالح باشد و از گناهان کبیره و صغیره اجتناب کند و از هوا و هوس به شدت دوری گزیند و بر تقوا حریص باشد (طوسی، 1400: 338). محقق حلی می‌نویسد: در قاضی بلوغ، کمال عقلی، ایمان، عدالت، طهارت مولد، علم و مرد بودن شرط است. بنابراین قضا برای صبی هر چند نزدیک بلوغ باشد و کافر جایز نیست؛ زیرا کافر اهل امانت داری نیست و مثل او فاسق است (محقق حلی، 1408: 59/4). فقهای دیگر نیز مانند علامه حلی به همین مضامین، هفت شرط برای قاضی برشمرده‌اند (علامه حلی، 1413: 421/3). شیخ طوسی (شیخ الطایفه) نخستین فقیهی است که شرط ذکورت را در کتاب المبسوط و خلاف خود ذکر کرده است، ایشان در آثار قبلی از جمله النهایه شرط ذکورت را ذکر نکرده است؛ از نظر شیخ طوسی قاضی باید عالم، عادل و کامل باشد و از نظر او، مرد بودن موجب کمال است و زن بودن را نقص عضوی می‌داند که موجب اختلال در قضاوت می‌شود. (شاکری گلیپایگانی و دیگران، 1395، 67)

لزوم ایمان قاضی: بر اساس آیات قرآن کریم (نسا آیه ۶۰، بقره ۲۵۷) مسلمانان نباید در نزاع‌ها به کفار مراجعه کنند و بر این اساس قاضی باید مومن باشد ایمان به خداوند در مقابل طاغوت و سرپرستی افراد از سوی اوست و نباید برای رفع نزاع میان افراد مسلمان به طاغوت که سرپرست کفار است، مراجعه شود. (بیات و دیگران، 1396، 48) از جمله موارد بسیار مهم در قضاوت اسلامی ایمان به خداوند متعال داشتن، قضا می‌باشد و هر چه این ایمان بالاتر باشد، قاضی در حکم‌نمودن و داوری، قویتر ظاهر می‌شود و تطمیع و تحریم و... در او عمل نمی‌کند و او به قسط و عدالت قضاوت می‌نماید. مورد بعدی عمل به علم از سوی قاضی است، قضا می‌باید عالم باشند و اهل مطالعه و تحقیق باشند و هم همانطور که: خداوند می‌فرماید (آیه ۳۶ اسرا) (و چیزی را که بدان علم نداری، دنبال مکن.) یا در آیه ۳۶ یونس می‌فرماید: (بیشترشان جز از گمان پیروی نمی‌کنند و گمان به هیچ وجه آدمی را از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند، آری خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است.) عمل بر اساس علم، وظیفه هریک از ابنای بشر است و برای یک قاضی، عمل کردن بر اساس علم، اهمیت ویژه دارد. (بیات و دیگران، 1396، 48) روایت معروف ابی خدیجه از امام صادق (علیه السلام) آمده است، مردی از خودتان را که پاره‌ای از احکام ما را می‌داند، میان خودتان قاضی قرار دهید، پس من نیز وی را قاضی قرار می‌دهم، لذا مرافعه خود را نزد وی ببرید. (حرعاملی، ۱۳۸۸ ق، ۴-۵) بسیاری از فقیهان، مجتهد بودن قاضی در قضاوت را لازمه قضاوت می‌دانند، چنانکه شیخ طوسی، علامه حلی، محقق حلی، شهید ثانی، شیخ مفید، ابن ادریس، ابن حمزه الطوسی) این‌گونه نظر دارند.

تقوای الهی از جمله موارد دیگری است که در فقه امامیه رعایت آن برای قاضی سفارش و توصیه شده است؛ تقوا عبارت است از انجام واجبات و پرهیز از محرمات. برای تحقق حق تقوا، استمرار در آن و در تمام مراحل زندگی بشر لازم است، قاضی در هنگام قضاوت باید تقوای الهی را پیشه کند تا به این دستور الهی عمل کرده باشد. (بیات و دیگران، 1396، 49) خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آنگونه که حق پروا کردن از اوست، از خدا پروا کنید و زینهار! جزء مسلمان نمیرید. (آیه ۱۰۲ آل عمران) در آیات قرآن از جمله مواردی که به پیامبران الهی توصیه شده که بعد از آن به قضاات اسلامی نیز درخواست

و مطالبه شده، رعایت عدالت و قسط و اجرای آن است؛ عدل و داد حتی به مؤمنان هم سفارش شده است؛ خداوند به پیامبر خود دستور می‌دهد " بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است. " (اعراف ۲۹) همچنین به مومنان هم می‌فرماید: باید عدالت را حتی اگر به زبان خودشان یا پدر و مادرشان باشد، رعایت کنند. (مائده آیه ۸ و نسا ۱۳۵) شخصی که بر مسند قضاوت می‌نشیند باید از تمام جهات عدالت را رعایت کند. یک قاضی باید عالم، متقی و عادل باشد. (بیات و دیگران، ۱۳۹۶، ۴۵) در قرآن کریم خداوند رسولان را داوران امت‌ها و مجهز به سه ابزار " بینات"، " کتاب" و " میزان" معرفی می‌کند. (حدید آیه ۲۵، نسا آیه ۱۰۵) تا میان مردم قسط را به پا دارند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ۳۷۱) خداوند با صراحت داوری بین مردم را غایت و نتیجه انزال کتاب قرار داده است (آیه ۲۱۳ بقره) هر یک از قاضیان در مقامی قرار دارند که به نوعی وظیفه پیامبران الهی را به عهده گرفته‌اند و انجام وظیفه باید متوسل به همان ابزار شوند. (بیات و دیگران، ۱۳۹۶، ۵۰) در فقه شیعه، تقسیم‌بندی داور یا قاضی بر دو قسم است؛ قاضی منصوب و قاضی منتخب، که اصطلاحاً قاضی تحکیم، نامیده می‌شود. قاضی منصوب از سوی امام معصوم علیهم السلام به قضاوت برگزار می‌شود، نصب اشخاص برای قضاوت به دو صورت است، بعضی به نصب خاص، (برای قضاوت بر مردم یک منطقه) و بعضی دیگر به نصب عام، برای قضاوت منصوب می‌شوند. در حال حاضر که عصر غیبت است، تمام قضات بر اساس نصب عام قضاوت می‌کنند. عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام راجع به اختلاف میان شیعیان پرسش کرد، امام فرمود: به کسی مراجعه کنید که احادیث ما را نقل می‌کند و احکام حلال و حرام ما را می‌شناسد، چنین شخصی را به عنوان قاضی بپذیرید، زیرا من او را بر شما حاکم قرار دادم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۱) ق.

فقها در خصوص عزل قاضی قائلند مادام که قضات از حسن رفتار و کمال توانایی برخوردارند، عزل آنان به دلیل شرعی نیاز دارد. (زعفری و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۱۹) در نظام حکومتی اسلام، معیار قضاوت احکام و مقررات الهی و حق و عدالت است، نه سیاست و مصلحت حکومت. پس از اینکه امام علی علیه السلام، زمانی که قدرت را به دست گرفت، تاکید و اصرار فوق العاده و بی نظیر او بر اجرای حق و عدل و احکام اسلام مصالح سیاسی، حکومت وی را تهدید می‌کرد، در پاسخ عده‌ای برای رعایت مصلحت در انتخاب مسئولان فرمود: " آیا به من دستور می‌دهید که عدالت را فدای سیاست کنم و تثبیت پایه‌های حکومت و پیروزی را به قیمت ستمگری طلب نمایم، به خدا سوگند که چنین نخواهم کرد. (محمدی ری شهری، ۱۳۶۳، ۶۶-۶۷) عدالت یکی از شرایط لازم برای احراز منصب مهم قضاوت از دیدگاه اسلام است، برخی از مولفان اسلامی پنج تعریف عمده برای عدالت به شرح ذیل ذکر کرده‌اند: موزون بودن، رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق افراد و دادن حق به حقدار، قرار دادن هر چیزی در جای خودش و رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد. (جمعی از مولفان، ۹۵، ۹۶)

• اقوال مفاهیم فقهی شیعه عدالت از شروط قاضی (صوفی آبادی، ۱۳۸۸، ۱۲۳)

اقوال	مفهوم فقهی عدالت	منابع
قول اول	عدالت را کیفیت یا صفت نفسانی می‌دانند که سبب ملازمت تقوا می‌باشد	(علامه حلی، قواعد الاحکام، ۲، ۲۳۶)
قول دوم	عدالت عبارت است از انجام واجبات و ترک محرمات که ناشی از ملکه باشد	(شیخ مفید، المقنعه، ۷۲۵)
قول سوم	عدالت عبارت است از ترک گناهان و یا خصوص گناهان کبیره	این قول از سرائر و ابوالصلاح نقل شده است

قول چهارم	عدالت عبارت است از اسلام و عدم ظهور فسق در خارج عینی، همین که شخص اظهار اسلام کند و از او گناهی دیده نشود، می شود به عدالت او حکم کرد	(طوسی، المبسوط فی الفقه الامامیه ۲۱۷، ۸)
قول پنجم	مراد از حسن ظاهر این است که آنچه موجب فسق می شود، نظیر ارتکاب کبائر و اصرار بر صغایر از او ظاهر نشود.	(بحرانی، الحقائق الناضرة فی احکام العتره الطاهرة، ۲۴، ۱۰)
قول ششم	عدالت عبارت است از اینکه شخص به دینش اهمیت دهد به طوری که دینداریش عاداتا باعث انجام واجبات و ترک محرمات گردد	(به نقل از کتاب الفقه، جلد اول، ص ۲۵۷)

#### 4-1- امور مستحب قاضی:

آداب در باب قضاوت (تمامی منش و کنشی که سزاوار برای قاضی یا والی که قاضی را نصب می کند) در علم فقه زیر عناوین «آنچه برای قاضی مستحب است یا مکروه» (مایستحب للقاضی و ما یکره له) تدوین یافته است، که در 13 بند مستحبات و 6 بند مکروهات قضا به آن اشاره می شود، ابتدا مستحبات به شرح ذیل بیان می گردد:

1- شایسته است که قاضی از اهل شهر کسانی را برگزیند که در امور مورد نیاز منطقه از ایشان یاری گیرد. (شرائع الاسلام، ج 4، ص 72)، نیاز به مشورت با معتمدان در امور خطیر و حساس حقوقی، به خصوص وقتی قاضی به قضاوت در جرایم خاص می پردازد، مانند جرایم سیاسی یا مطبوعاتی که می باید هیئت منصفه در دادگاه حضور داشته و محاکمه علنی باشد، آشکارتر است.

2- وقتی به منطقه مأموریت رسید، در مرکز شهر ساکن شود، تا مراجعه کنندگان به اندازه مساوی به او دسترسی داشته باشند (همان).

3- آمدنش را اعلان کند؛ مردم باید بدانند چه کسی حاکم شهرشان و قاضی آنان است. نه فقط با اسم و مشخصات، بلکه ویژگی ها و روحیاتش را بدانند، به ویژه اگر پیش از وی والی یا قاضی دیگری بوده که معزول شده و به جای او دیگری منصوب شده است. 4- در مکان معلومی بنشیند؛ شهید در مسالک می گوید: از دیگر آداب این که برای قضاوت در جایی بنشیند که برای مردمان مشخص و آشکار باشد، مانند صحن و سرا یا محیط باز که دسترسی به وی برای هر کس که می خواهد، آسان باشد.

5- در آغاز کار، امانت ها و سپرده های مردم را از حاکم معزول بگیرد؛ چون رأی و نظر حاکم و قاضی پیشین، با ولایت حاکم دوم، از اعتبار ساقط است. (شرائع الاسلام، ج 4، ص 72)

6- اگر در مسجد قضاوت می کند، نماز تحیت مسجد بخواند و به هنگام قضاوت، پشت به قبله باشد. (شرائع الاسلام، ج 4، ص 72)، 7- پرس و جو از زندانیان؛ در این مورد، پرس و جو قاضی از زندانیان، شامل محکومی که بر حسب حکم، دوران زندان را می گذراند، نمی شود.



- 8- پرس وجو از وصی ایتام ؛ محقق در شرائع می گوید: قاضی از سرپرستان ایتام پرس و جو می کند، و اموری را که لازم است مانند گماشتن همکار برای وصی یا تنفیذ وصایت یا اسقاط ولایت او انجام می دهد( شرائع الاسلام، ج 4، ص 73).
- 9- تحقیق در مورد افراد امین و مورد اعتماد حاکم پیشین ؛ محقق در شرائع می گوید: قاضی در مورد افراد مورد اعتماد حاکم تحقیق می کند. (همان).
- 10- بررسی گمشده ها و یافته ها ؛ محقق در شرائع می گوید: قاضی گمشده ها و پیدا شده ها را بررسی کند؛ آنچه را می ترسد از بین برود و تلف شود، نیز اموالی را که خرج نگه داری شان برابر با قیمت شان است، بفروشد. (شرائع الاسلام، ج 4، ص 73)
- 11- احضار عالمان به هنگام صدور رأی؛ محقق در شرائع می گوید: قاضی از میان عالمان، کسانی را به محکمه احضار می کند تا شاهد حکم وی باشند و اگر خطا کرد او را هشدار دهند...در مسائل نظری مشتبه، با آنان مشورت می کند تا فتوای لازم حاصل شود. (همان)
- 12- ظاهر شکوهمند و با آرامش و وقار ؛ صاحب جواهر می گوید: برای قاضی در حال قضا مستحب است هیئتی شکوهمند و آرامش و وقاری مناسب قضاوت داشته باشد.(جواهر، ج 40، ص 77). لباس قضات دارای اهمیت به سزایی در راستای حفظ شان و جایگاه قضاوت و عدالت است و باید نماد برجستگی باشد تا موجب امیدواری تظلم خواه و رعب مجرم شود.
- 13- تنبیه اخلاط لگران نظم دادگاه ؛ محقق در شرائع می گوید: اگر یکی از دو طرف، در دادگاه اخلاط کند، قاضی به نرمی و آرامش، خطایش را به وی تذکر می دهد، اگر دوباره اخلاط کرد، وی را باز می دارد. اگر بازهم اخلاط کرد وی را بر حسب حالش تأدیب می کند، البته در تأدیب او به اندازه ای که در روند دادرسی لازم است، بسنده می شود. (شرائع الاسلام، ج 4، ص 74)

#### 5-1- امور مکروه و ناپسند قاضی

- 1- داشتن حاجب؛ محقق در شرائع می گوید: از آداب ناپسند و مکروه، آن است که قاضی در هنگام قضاوت، حاجب و دربان بگذارد. (شرائع الاسلام، ج 4، ص 74).
- 2- مسجد را محل دائمی قضاوت قراردادن ؛ در شرائع پس از ذکر این عبارت که «مکروه است قاضی مسجد را محل همیشگی قضاوت قرار دهد؛ ولی اگر اتفاقی و هر از گاهی باشد کراهت ندارد». صاحب جواهر در اثبات کراهت می گوید، در حدیث پیامبر(ص) آمده است: «جَنَّبُوا الْمَسَاجِدَ صِبْيَانَكُمْ وَ مَجَانِبَكُمْ وَ خصوصاً تکم و رفع أصواتکم (سنن بیهقی، ج 10، ص 103)؛
- 3- قضاوت در حال خشم و حالات همانند که ذهن آدمی را به خود مشغول می کند ؛ محقق در شرائع می گوید: مکروه است قاضی قضاوت کند، در حالی که غضبناک است، نیز مکروه است در هر حالی که همانند غضب، ذهن آدمی را مشغول می کند، مثلاً گرسنگی و تشنگی و غم و شادی و درد و دفع خبث و چیره شدن چرت و خواب. اگر در این حالات قضاوت کرد، اما به حق و درست بود، حکم نافذ و معتبر است.
- 4- خرید و فروش شخصی ؛ مقصود خرید و فروش ، خرید و فروش نیازهای متعارف خود را از بازار شهری که می دانند وی قاضی آن شهر است، خود انجام ندهد، و از کسبه ای که می شناسد، مثل نانوا و بقال و عطار شخصاً خرید نکند.
- 5- برای حکم درباره خود، وکیل بگیرد؛ حق آن است که قاضی طرف دعوا برای به دست آوردن حقیقش وکیل بگیرد، تا از وی دفاع کند، نیز از آن رو که گزارش شده: امام علی(ع) در دعوایی عقیل را وکیل خود قرار داد و فرمود: إِنَّ لِلْخَصْمَةِ قُحْمًا وَ إِنِّي لَأُكْرَهُ أَنْ أَحْضَرَهَا. (نهج البلاغه، صبحی صالح، ص 517، ش 3)



6- ترش‌روی یا خوش‌رویی برابر طرفین دعوا. محقق در شرائع می‌گوید: مکروه است قاضی آن گونه ترش‌روی باشد که نتوان دلیل و حجت را گفت، نیز کراهت دارد آن قدر خوش‌روی باشد که ایمن از جسارت و گستاخی خصوم نباشد. (شرائع الاسلام، ج 4، ص 75)

## 2- ویژگی‌ها و شرایط قاضی در جمهوری اسلامی ایران :

در ابتدا تعاریفی را در بحث قضاوت از قول بنیانگذار جمهوری اسلامی اشاره و سپس به برخی قوانین آن می‌پردازیم. حضرت امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسیله در تعریف قضاوت می‌فرماید: «و هو حکم بین الناس للرفع التنازع بینهم با شرایط الاتیه» آن حکم بین مردم است جهت رفع تنازع بین آنان با شرایطی که می‌آید (امام خمینی، تحریر الوسیله/ ۸۰). سال ۱۳۶۸ قانون اساسی مورد بازنگری قرار گرفت و اصل ۱۵۷ این گونه اصلاح شد: به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضاییه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت ۵ سال به عنوان رئیس قوه قضاییه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضاییه است. رئیس قوه قضاییه کلیه مسئولیت‌های شورای عالی قضایی را برعهده خواهد داشت، در حقوق کشورهای اروپایی، مانند فرانسه، مصونیت قضایی فقط شامل قضات نشسته است، اعضای پارک (دادسرا) از این مصونیت بهره‌مند نیستند (در اصطلاح حقوق، قضات نشسته از آن دسته از قضات هستند که در دادگاه‌ها به دعوی رسیدگی و حکم صادر می‌کنند، گروه دیگر از قضات مانند داستان‌ها، دادیاران، و بازپرسان، اعضای پارک را تشکیل می‌دهند، وظیفه این گروه کشف و تعقیب جرایم است که به نام جامعه و برای حفظ حقوق عامه عمل می‌کنند. (قاضی، ۱۳۸۵، ۶۰۹) طبق اصل ۱۶۴، قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل در آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه، پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی‌ای که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد. (هاشمی، ۱۳۹۵، ۳۸۹-۳۹۰) تابع قانون بودن برای هر فردی در جامعه در اکثر تئوری‌های فلسفی و حقوقی مورد تأیید قرار گرفته است، بر اساس اندیشه نظریه‌پردازانی چون کانت، هابز و هیوم، تبعیت از قانون پیش‌شرط استقرار جامعه مدنی است. (حسینی و برهانی، ۱۳۸۹، ۲۵۱) با توجه به موارد مطروحه یکی از مسایل مهم در قضا در عصر امروز و جمهوری اسلامی ایران، قانونی بودن است، یعنی ابتدا باید در قوانین پیش‌بینی‌هایی شده باشد، مثل اصول ۱۵۷ و ۱۶۴ و دیگر موارد؛ بعد از آن نوبت به تبعیت و توجه به قوانین می‌رسد؛ هر جایی نقض قانون مطرح می‌شود، آنجا قضات - یا به عنوان مدعی‌العموم (دادستان) یا با درخواست و شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی - وارد رسیدگی می‌شوند.

1-2- **گزینش قاضی:** نظام حقوق اساسی در مورد گزینش قاضی دو روش انتصاب و انتخاب را ارائه کرده است، که هر یک طرفداران و منتقدان خود را دارد، در سیر تاریخی مشاهده شد روش معمول و مرسوم گزینش قضات در فقه اسلامی، انتصاب آن از طرف حاکم اسلامی است. (زعفری و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۱۴) در شیوه‌گزینشی یا انتخابی قاضی دو نکته قابل توجه است؛ نخست - وابستگی قضات انتخابی به گروه‌های انتخاب‌کننده است. دوم - انتخاب قضات برای مدت محدود از تخصصی شدن حرفه قضا جلوگیری می‌کند و آن را به شغلی سیاسی که برای دوره معین در نظر گرفته می‌شود، تبدیل می‌کند، منتقدان این شیوه برای جلوگیری از معایب طریق مزبور انتخاب قضات را به مجالس مقننه واگذار کرده‌اند، در حالی که نمایندگان منتخب مردم نیز از جبهه‌گیری‌های سیاسی برحذر نیستند و این روش هم راهکاری منطقی محسوب نمی‌شود. طباطبایی مومنی (۱۳۹۳، ۱۱۷) در شیوه انتصابی، اختیار و نصب قضات را می‌توان در اختیار قوه مجریه (و بیشتر ریاست کشور) یا ارگان معین قضایی یا خود قضات (شیوه خود انتخابی) قرار داد. آن دسته از کسانی که بر نمط تفکیک قوا، قوه قضاییه را قوه‌ای جداگانه می‌پندارند، تعیین قضات توسط قوه مجریه را خلاف نمی‌دانند، یعنی گزینش مستقیم آنان از سوی

شهروندان لزوماً شرط اصلی شخصیت جداگانه قوه قضائیه نمی شمارند. (قاضی، ۱۳۹۵، ۶۰۳) البته شیوه انتصاب قضات، فقط نصب از طریق قوه مجریه نیست، بلکه در بیشتر مواقع از شیوه های پیچیده تری استفاده می شود که ترکیبی از انتخاب، انتصاب و همکاری مجریه و مقننه است و شاید علت اساسی آن باشد که قضات به یک مرجع یا مقام یا گروه سیاسی وابسته نشوند. (زعفری و دیگران، ۱۳۹۷، ۲۱۴) البته در کشور و قوانین ما، ریس قوه قضائیه برابر اصل ۱۵۷ قانون اساسی توسط رهبر معظم انقلاب منصوب و سایر قضات هم برابر قوانین موجود منتصب می شوند.

قضاوت بر دو اصل "قانون و عدالت" پابرجا خواهد بود. همه نظامهای قضایی دنیا از مقررات قضایی مدونی استفاده می کنند که بر اساس قانون اساسی کشورشان ایجاد و تصویب شده باشد. صفات قاضی از نظر امام خمینی (ره): بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، اجتهاد، مطلق مردود بودن، حلال زادگی، اعلیت (نسبت به افراد شهر و محل خود) به احتیاط واجب، و داشتن حافظه قابل اعتماد به احتیاط واجب. (تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۰۷) قانونگذار ایران شرط عدالت قاضی را مورد تاکید قرار داده است. در اصل ۱۶۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون عادی معین می شود. اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه به عنوان عالی ترین مقام قضایی را استخدام قضات عادل و شایسته مقرر داشته است، قوانینی که در رابطه با استخدام قضات به تصویب رسیده اند همگی عدالت را به عنوان شرط تصدی امر قضا مطابق موازین فقهی تعیین کرده اند و از سوی دیگر بهره مندی از عدالت در دادرسی ها و محاکمات قضایی به عنوان یکی از حقوق ملت، در حقوق اسلام و قوانین مختلف کشور مورد تاکید قرار گرفته است. (صوفی آبادی، ۱۳۸۸، ۱۱۴) شهید مطهری در رابطه با مفهوم عدالت از جمله نسبی و مطلق بودن عدالت و رابطه آن با مساوات، معانی و تعاریف زیر را برای واژه عدالت بیان می کند: ۱- عدالت خصیصه ماهوی نظم الهی حاکم در کائنات، ۲- عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خودش، ۳- عدالت به معنای دادن حق به میزان استحقاقها، ۴- عدالت به معنای راستی و راست کرداری و راست کردن، ۵- عدالت به معنای تناسب و تساوی جرم با مجازات در حوزه قضا، ۶- عدالت به معنی تامین مصلحت عمومی به بهترین وجه ممکن، ۷- عدالت به معنای استقامت در عمل به شریعت، ۸- عدالت به معنای انصاف. (صوفی آبادی، ۱۳۸۸، ۱۱۶ و ۱۱۷) همان طور که ملاحظه شد، از شروط مهم برای فرد قاضی، داشتن عدالت است، چون او می خواهد در جامعه بین افراد شاکی- متشاکی و خواهان- خوانده، اجرای عدل و قسط نماید.

**2-2- شرایط قضات در قانون اساسی:** در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸، درباره شرایط قضات سخنی به میان نیامده است و قانونگذار صفات و شرایط قاضی را طبق موازین فقهی و مستند به اصل ۱۶۳ قانون اساسی به قانون عادی محول کرده است، در راستای اجرای اصل ۱۶۳ قانون اساسی، قانون شرایط انتخاب قضات مصوب ۱۳۶۱ به موجب این اصل قضات باید واجد شرایط زیر باشند: ۱- ایمان ۲- عدالت ۳- تعهد عملی به موازین اسلامی ۴- وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران ۵- طهارت مولد ۶- تابعیت ایران ۷- مرد بودن ۸- دارا بودن اجتهاد یا وجود اجازه قضا از سوی شورای عالی قضایی ۹- عدم اعتیاد به مواد مخدر. (شاکری گلپایگانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۷۷) به موجب تبصره ۵ الحاقی به قانون شرایط انتخاب قضات مصوب سال ۱۳۶۳، مصوب ۱۳۷۴، رئیس قوه قضائیه می تواند بانوانی را که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۴/۱۲/۱۳۶۱ باشند با پایه قضایی برای تصدی پستهای مشاوره دیوان عدالت اداری، دادگاههای مدنی خاص، قاضی تحقیق و دفاتر مطالعه حقوقی و تدوین قوانین دادگستری و اداره سرپرستی صغار و مستشاری اداره حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست قضایی اند، استخدام کند. (شاکری گلپایگانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۷۷)

قوه قضائیه برای جذب قضات از روشهای مختلف اقدام می کند که عبارتند از: 1- فارغ التحصیلان دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری (جذب از طریق کنکور سراسری)، پس از فارغ التحصیلی و طی کردن دوران کارآموزی به شرط موفقیت در آزمون اختبار، در اقصی نقاط کشور به تصدی امر قضا مشغول می شوند. 2- جذب طلاب حوزه های علمیه از جمله حوزه علمیه قم و مشهد. 3- برگزاری آزمون عمومی جذب قضات از بین کارشناسی حقوق در یکی از گرایش ها، کارشناسی

الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، کارشناسی فقه و حقوق، کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق در یکی از گرایش‌ها؛ کارشناسی ارشد پیوسته الهیات، معارف اسلامی و ارشاد با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ دارا بودن مدرک سطح (۲) عمومی (فقه و اصول) یا سطح (۲) تخصصی با گرایش حقوق و قضای اسلامی برای دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه (این گروه نیز پس از طی دوران کارآموزی قضایی و در صورت واجد شرایط بودن، ابلاغ قضایی دریافت خواهند کرد). قاضی‌ها دارای پایه‌های قضایی مختلف هستند که بر اساس مدرک تحصیلی، سابقه کار، فعالیت پژوهشی، جایگاه شغلی، محل خدمت تعیین می‌شود و هر قاضی به طور معمول هر ۳ سال یکبار می‌تواند تقاضای ارتقای پایه کند. قاضی‌ها معمولاً در سازمان‌های قضایی کشور از جمله وزارت دادگستری، دادسراها، دادگاه‌ها، شوراهای حل اختلاف و ... می‌توانند مشغول به کار شوند. شوراهای حل اختلاف، یکی از فرصت‌های شغلی مناسب برای قضات می‌باشد؛ اخیراً برای این بخش سهمیه‌ای جدا در آزمون قضاوت در نظر گرفته شده و قاضی‌هایی فقط برای فعالیت در شوراهای حل اختلاف جذب و تربیت می‌کنند. تعداد زیادی از قاضی‌های زن در شوراهای حل اختلاف مشغول به کار هستند. در تبصره ۵ ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۰، استفاده از مشاور زن در دعوی خانوادگی پیش‌بینی شده بود و بعد از آن نیز در تبصره ۳ قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به اصل ۲۱ قانون اساسی مصوب ۱۳۷۶ و سپس در بند ب ماده ۱۴ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ به این موضوع اشاره شده بود. ولی حضور قاضی مشاور زن الزامی نبود.

**3-2- امور مستحبی و مکروهی قضاوت:** در امور مستحبی و مکروهی قضاوت در فقه امامیه مواردی مطرح شد که به برخی از قوانین که اشاراتی به آنها داشته‌اند، می‌نماییم: الف- مشورت؛ ۱- ماده ۲ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۲، دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌شود و قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهارنظر و مراتب را در پرونده درج کند، قاضی انشاکننده رای باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه‌ی وی را رد کند. تبصره- قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف ۵ سال به تامین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاه‌های خانواده اقدام کند و در این مدت می‌تواند از قاضی مشاور مرد، که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده است، استفاده کند. (شاکری گلپایگانی و دیگران، ۱۳۹۵، ۷۸)؛ ۲- کارشناس رسمی دادگستری به واسطه تحصیلات یا تجربه خودش در یک حرفه یا علم به اندازه‌ای تبحر دارد که نظر او ملاک رأی قرار می‌گیرد؛ ارجاع به کارشناسی یکی از ادله اثبات دعوی است که یا به درخواست خود قاضی یا به درخواست طرفین دعوی از آن استفاده می‌شود. (متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی)

ب- بی‌طرفی و عدم تمایل به یکی از طرفین؛ ۱- بند اول آئین نامه اجرای قانون گزینش و استخدام قضات مصوب فروردین ۱۳۷۹؛ ماده ۱۰ آئین نامه: قضات باید قبل از اشتغال به خدمت قضا در حضور رئیس قوه قضائیه یا نماینده او سوگند کنند. قسمتی از متن سوگند فوق که می‌تواند نوعی تعهد درونی برای قضاوت در بی‌طرفی ایجاد کند بدین قرار است: ... با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که همواره در کشف حقیقت و احقاق حق و اجرای عدالت و قسط اسلامی در گرفتن حق کوشا باشم. بند دوم لایحه اصل قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۱۴ کمیسیون مشترک مجلس: ماده ۵۲ لایحه فوق دو محدودیت را برای قاضی در جهت حفظ استقلال و بی‌طرفی وی قائل شده است: ۱- ممنوعیت شرکت در احزاب سیاسی و جمعیت‌های وابسته به آنها: «به منظور حفظ بی‌طرفی کامل و رعایت احترام و شئون قضائی، عضویت متصدیان مشاغل قضائی در احزاب و جمعیت‌های سیاسی وابسته به آنها ممنوع است» ۲- ممنوعیت انتشار مجله سیاسی و حزبی. «هر گونه تبلیغات حزبی و انتشار روزنامه یا مجله سیاسی و حزبی برای قضات ممنوع است». استقلال قاضی ایجاب می‌نماید که وی تحت تأثیر افکار حاکم بر جامعه قرار نگیرد، و در احزاب و گروه‌های سیاسی عضو نشود.



2- معیار عدالت در رأی قاضی قانون و مقررات موضوعه است نه عرف جاری؛ اصل ۱۵۶ قانون اساسی چنین مقرر داشته است: « قوه قضائیه؛ قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است...» اصل ۱۵۸ قانون اساسی: «وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است: ۱-۲۰۰۰-۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها...» یکی از وظایفی که در اصل ۱۵۸ برای ریس قوه قضائیه پیش‌بینی شده، استخدام قاضی عادل و شایسته است. صفت عدالت یکی از شرائط شرعی و فقهی برای قاضی است و قانون اساسی ایران نیز مبتنی بر اساس فقه امامیه است؛ لذا در اصل ۱۵۳، شرط عدالت برای قاضی لازم شناخته شده است. ماده ۲۱۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۳۱ مقرر داشته است که قاضی دادگاه پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی در خصوص برائت یا مجرمیت متهم نباید به صورت علنی اظهار عقیده نماید. در مورد کارشناسی ماده ۲۵۸ قانون آئین دادرسی مدنی؛ در صورت تعدد کارشناسان، راه قرعه را در اختیار قاضی قرار داده است، نشان‌دهنده این است که قاضی نمی‌تواند با انتخاب کارشناسی از بین چند کارشناس، متناسب با منافع غیرقانونی احد اصحاب دعوی از وی جانبداری نماید. 3- ماده ۴۷ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۷۹، کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضائی را از داوری ولو به رضایت طرفین منع کرده است. با این حال در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۳۱ موادی که در حمایت از اصل استقلال و بی‌طرفی قاضی وضع شده است می‌توان به قرار ذیل اشاره کرد: ماده ۴۶ قانون فوق که موارد رد دادرس را گفته مقرر داشته است که: «دادرسان و قضات تحقیق در موارد زیر باید از رسیدگی و تحقیق امتناع نمایند و طرفین دعوی نیز می‌توانند آنان را رد کنند: وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا قاضی تحقیق با یکی از طرفین دعوی یا اشخاصی که در امر جزائی دخالت دارند. دادرس یا قاضی تحقیق قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکلف امور قاضی یا همسر او باشد. .... 4- اصل (۱۶۷) قانون اساسی، تصریح می‌کند که: قاضی به هنگام دعاوی میان اشخاص، موظف است حکم هر مورد را در "قوانین مدونه" در غیر این صورت، حکم موضوع را در "منابع معتبر اسلامی" یا "فتاوی معتبر" بیابد: « قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید»..

پ- سپرده‌ها و امانتهای مردم؛ در مورد تحویل گرفتن دیوان و سپرده‌ها و امانتهای مردم، آیین نامه‌ای تدوین شده است و اختیار این امور به ریاست دادگستری سپرده شده است، نه به تمامی قضات دادگاه‌ها. تمامی اینها اموری عرفی و عقلایی است که مطابق شرایط زمان و مکان تنظیم می‌شود و باید با اصول و مبانی اسلام مطابقت داشته و همخوان باشد.

ت- عدم قضاوت در مسجد؛ امروزه محل‌های قضاوت به صورت ساختاری یا حاکمیتی مشخص است و تقریباً همه این موارد در آن رعایت گردیده و قضاوت در مسجد در جمهوری اسلامی ایران انجام نمی‌شود، مستحبات قضا که مطرح شد، امروزه برخی از آنها در کشورهای اسلامی از جمله کشور خودمان در حال انجام می‌باشد.

ث- حقوق زندانیان؛ سیاست ابلاغی قوه قضائیه در راستای کاهش آمار زندانیان هم از امور حقوق زندانیان می‌توان اشاره داشت زیرا با توجه به کمبود تعداد قضات و از طرفی آمار بالای زندانیان، رسیدگی به امور آنان را با مشکل بعضاً روبرو می‌نماید. اجرای حکم مجازات، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل دادرسی کیفری است. جهت اجرای بهتر مجازات، وجود مقام قضایی مستقلی در مرحله اجرای حکم، لازم و ضروری است؛ بنابراین، در قوانین کیفری مقامی با نام «قاضی اجرای احکام کیفری» پیش‌بینی شده که این قاضی در مرحله اجرای حکم و حتی مرحله بعد از اجرای حکم دارای وظایف و اختیاراتی است. وظایف قاضی اجرای احکام کیفری ... (ب) نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان (پ) اعلام نظر درباره زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات (ت) اعطای مرخصی به محکومان براساس قوانین و مقررات .....

ج- لباس قضات؛ حسب دستور رییس قوه قضائیه، لباس متحدالشکلی بر اساس رتبه‌ی قضایی طراحی شد، که در قبل از انقلاب نیز این طرح در سطح مسئولان عالی قضایی وجود داشته و در بسیاری از کشورها این مساله وجود دارد. این لباس فقط

در حین کار قضایی توسط قضات استفاده می‌شود. (صدقی، غلام‌علی، مدیر کل دفتر تشکیلات و برنامه‌ریزی قوه قضاییه، در گفت‌وگو با ایسنا 1385/2/2)

چ- اخلال در نظم دادگاه؛ مدیریت فرآیند محاکمه و استقرار نظم دادرسی، یکی از تکالیف مهم مرجع قضائی است. مطابق ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اخلال اصحاب دعوی اعم از شاکی و متهم در جلسه دادرسی، «جرم» نیست، اما قاضی می‌تواند «دستور حبس» فرد خاطی و اخلال‌کننده را صادر کند و تصمیم وی در این مورد، حجت، قاطع و غیرقابل اعتراض بوده و هر یک از شاکی یا متهم، احتمال دارد قبل از آن‌که در مورد موضوع اصلی پرونده، اتخاذ تصمیم شود، مشمول این «دستور» شده و به مدت یک الی پنج روز روانه زندان شوند. این ماده دستور حبس، جایگزین تبصره ۲ ماده ۱۸۸ قانون سابق شده و آن‌جا مقنن از لفظ «توقیف» استفاده کرده بود. در دادرسی‌های حقوقی نیز ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی صراحتاً مقرر داشته دادگاه‌های حقوقی می‌توانند «دستور اخراج» اشخاصی را که موجب اختلال نظم جلسه شده‌اند با «ذکر نحوه اختلال» در صورت جلسه یا تا ۲۴ ساعت «حکم حبس» آنان را صادر کنند و اگر مرتکب از اصحاب دعوی یا «وکلا» آنان باشد، به حبس از یک تا ۵ روز «محکوم» خواهد شد. حسب ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، سه گروه از اشخاص ممکن است موجب اخلال در نظم دادگاه شوند: ۱- اشخاص غیرمرتبط با پرونده نظیر تماشاچی ۲- اصحاب دعوی اعم از شاکی و متهم ۳- وکلای مدافع طرفین؛ در مورد گروه نخست، مقنن فقط ضمانت اخراج از جلسه را پیش‌بینی کرده است. در مورد شاکی و متهم، ضمانت حبس از یک تا پنج روز را مقرر داشته و در مورد وکلای مدافع، ابتدا تذکر و در صورت عدم تاثیر، اخراج و معرفی به دادرسی انتظامی کانون متبوع جهت تعقیب انتظامی را پیش‌بینی کرده است. (قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)

### نتیجه گیری

از مسایل مهم در اسلام و در ادیان و حکومت‌ها، مسأله قضا و قاضی می‌باشد که می‌بایست توجه ویژه‌ای به این امر نمود و توجه و غفلت از آن، از نظر شأن و جایگاه و از نظر مادیات می‌تواند امنیت جامعه را خدشه‌دار یا تضمین نماید، بستگی به عملکرد ما در برابر آنها می‌باشد؛ اگر حقوق قضات محترم شمرده شود، امنیت تضمین و در غیر این صورت امنیت خدشه‌دار می‌شود. خداوند در آیه ۱۰۵ سوره نساء، در خصوص قضاوت خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «که با آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کن، و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی». رسول خدا (ص) فرمودند: من با بینة و قسم میان شما قضاوت می‌کنم و برخی از شما حجت و دلیلش را گویاتر و رساتر می‌گوید؛ همچنین اهمیت قضاوت به گونه‌ای است که هر فردی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: از قضاوت بپرهیزید، چرا که قضاوت و داوری، مخصوص امام آگاه به اصول قضا، و عادل در میان مسلمانان است (آری) برای پیامبر (ص) یا وصی پیامبر (ص) است. همان‌طور که بیان شد؛ قضا در لغت به معنای «فرمان دادن، حکم کردن، فتوا دادن، رأی دادن، به حاجت کسی رسیدن و روا کردن، آگاهانیدن و پند دادن» بود، و قاضی هم اسم فاعل از فعل قضی یقضی، به معنای «داور و حکم کننده» آمد. مشهور فقها قائل به لزوم اجتهاد در قضاوت بودند که امام خمینی (ره) نیز با آنها هم عقیده می‌باشند. اصل بی‌طرفی مورد تأکید دادرها هم می‌باشد، به‌طوری‌که در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ اصل بی- طرفی قاضی را مورد تقویت قرار داد. (ماده ۳ قانون فوق).

در مقاله حاضر علاوه بر آداب قضاوت (مستحبات و مکروهات آن برای قاضی) در فقه امامیه، برخی موارد تطبیقی آن با قانون جمهوری اسلامی ایران را نیز بیان کردیم، و در جدولی آن را نشان دادیم؛ آنچه مسلم است این می‌باشد که با توجه به غنی بودن فقه امامیه، قوانین ما از آن بهره‌های فراوانی برده و از مسایل مهم و مورد تأکید، علم قاضی است، که آن هم در قوانین ما مورد توجه قرار گرفته است. در قوانین جمهوری اسلامی ایران؛ قاضی از میان مردانی انتخاب می‌شوند که: 1- ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران 2- طهارت مولد (حلال‌زادگی) 3- تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت قانونی 4- صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر 5- دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضایی یا اجازه قضا از جانب شورای عالی قضایی؛ داشته باشند؛ البته در برخی محاکم از قاضی زن، مثل دادگاه خانواده استفاده می‌شود. از جمله اموری که برای قاضی در فقه امامیه مستحب است، 13 مورد بود از جمله؛ 1- انتخاب مشاور 2- ساکن شدن در مرکز شهر 3- اعلان آمدنش 4- نشستن در مکان معلوم .... در امور مکروه قضاوت در فقه امامیه، شش مورد قابل ذکر بود از جمله: 1- داشتن حاجب و نگهبان 2- دائمی قراردادن محل قضاوت در مسجد 3- قضاوت در حال خشم و موارد مشابه مثل گرسنگی و ...

اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف رئیس قوه قضاییه، استخدام قضات عادل و شایسته مقرر داشته، و قوانینی که در رابطه با استخدام قضات به تصویب رسیده‌اند همگی عدالت را به عنوان شرط تصدی امر قضا مطابق موازین فقهی تعیین کرده‌اند و از سوی دیگر بهره‌مندی از عدالت در دادرسی‌ها و محاکمات قضایی، یکی از حقوق ملت، در حقوق اسلام و قوانین مختلف کشور مورد تأکید قرار گرفته است. شرایطی که برای متصدی قضاوت در نظام مقدس اسلام ذکر شده است ۲۷ مورد می‌باشد که به دو دسته واجب و مستحب تقسیم می‌شد و شروط واجب آن: بلوغ، عقل، طهارت مولد، مرد بودن، ایمان، عدالت، توانایی بر نوشتن، آزاد بودن، بی‌نا بودن، لال نبودن، داشتن حافظه و اجتهاد، بودند. با توجه به موارد و مسایل مطروحه، و توسعه جوامع، همچنین پیشرفت علوم نیاز به استفاده بیشتر به کارشناسان و مشاوران تخصصی در کنار قضات در محاکم و دادگاه‌ها متصور می‌شود، علاوه بر ارتقا علمی خود قضات که این امر هم نیاز به توجه است، حتی با توجه به تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان رشته‌های حقوق و سایر رشته‌های واجد شرایط آزمون قضاوت؛ می‌توان مقطع آزمون ورودی را از کارشناسی به کارشناسی ارشد ارتقا داد و کارگاه‌های علمی-پژوهشی حین خدمت ویژه قضات و وکلای پیش‌بینی نمود. نکته‌ی بعدی با توجه به استقلال و بی‌طرفی قضات، اهتمام به برطرف نمودن حقوق و امتیازات مکفی در این راستا (اخیراً اقداماتی شده، نیاز به تکمیل دارد). توجه به امور زندانیان هم مورد توجه است و مسأله حبس‌زدایی که از سیاست‌های اخیر قوه قضاییه است، هم مورد تأکید و توجه است. از جمله موارد مهم که بیش از سایر موارد در فقه امامیه و قوانین جمهوری اسلامی، مدنظر است؛ اجرای عدالت در خصوص همه و پرهیز از تبعیض بین افراد جامعه.

## منابع و مآخذ

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه، صبحی صالح، 517، ش 3.



3. ابن فارس ابوالحسن، احمد بن فارس بن زکریا، 1404ق، معجم مقائیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
4. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۹۳، مقدمه ابن خلدون، تهران، علمی و فرهنگی.
5. ابن عابدین، محمد امین بن عمر، ۱۴۲۱قمری، رد المحتار علی الدر المختار، جلد چهار، دمشق، دار الثقه و التراث.
6. ابن بابویه، الصدوق، 1413ق، من لا یحضره الفقیه، قم، چاپ دوم.
7. بحرانی، یوسف، 1363، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، حقه و علق علیه محمدتقی ابروانی، بی تا، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.
8. بیات، محمد حسین و حسام امامی دانالو، ۱۳۹۶، تاملی در شرایط قاضی بر اساس آیات قرآن کریم و روایات با ب قضا کتاب شریف کافی، سراج منیر، سال ۸، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۶
9. حر عاملی، محمد بن حسن، 1409ق، وسائل الشیعة، قم، چاپ اول.
10. حسینی، سید محمد و محسن برهانی، ۱۳۸۹، چرایی تبعیت از قانون، فصلنامه پژوهش های فلسفی - کلامی، دانشگاه قم، سال ۱۱، شماره ۳ و ۴.
11. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، جلد دهم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
12. زعفری، زیبا و جواد پنجه پور و احمد عابدینی، 1397، جایگاه قضا در فقه امامیه در مقایسه با قوانین جمهوری اسلامی ایران، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ماهنامه علمی پژوهشی، سال هجدهم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۹۷، ۲۰۷-۲۲۶.
13. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، 1412ق، مفردات الفاظ القرآن، چاپ یک، بیروت، دارالقلم.
14. سنگلجی، محمد، ۱۳۸۲، آیین دادرسی در اسلام، نشر خط سوم، چاپ اول.
15. شاکری گلپایگانی، طوبی و الهام وحیدی و نسیم سادات محبوبی شریعت پناهی، 1395، جایگاه قضاوت زنان در فقه شیعه و حقوق ایران، پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، ۶۳-۸۴.
16. شریف الرضی، محمد بن حسین، 1414ق، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، قم، چاپ اول.
17. صوفی آبادی، محمود، 1388، بررسی شرط عدالت در قاضی و شاخص های عدالت قضایی در فقه و حقوق ایران، فصلنامه فقه و مبانی حقوق، سال پنجم، شماره ۱۵، ص ۱۱۳-۱۳۴.
18. طاهری، حبیب الله، 1394، قواعد فقه، جلد اول، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی
19. طباطبایی مومنی، منوچهر، ۱۳۸۴، حقوق اساسی، تهران، میزان.
20. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، 1400ق. الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ اول،
21. طبرسی، فضل بن حسن، 1378، مکارم اخلاق، انتشارات الشریف الرضی، قم.
22. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، 1393، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت<sup>ع</sup>، چاپ اول، بی تا.
23. فراهیدی، خلیل بن احمد، 1409ق، کتاب العین، جلد ۵ و ۳، چاپ ۲، قم، نشر هجرت.
24. گیانی، عبدالرزاق بن محمد هاشم، 1387، مصباح الشریعة، چاپ 4، تهران، ناشر پیام حق.
25. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۷، مقدمه ای بر سیستم قضا اسلامی، قم، محبت.



26. محقق حلی، نجم‌الدین، جعفر بن حسن، 1408 ق. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم،
27. مجلسی اول، محمدتقی، 1406 ق. روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم،
28. مفید، محمد بن محمد، 1413 ق. الجمل و النصرة لسید العتره فی حرب البصره، قم، چاپ اول،
29. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، جلد ۲۳، چاپ ۱، تهران، دارالکتاب اسلامی.
30. نجفی، محمدحسن، 1417 ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
31. نعمتی، احمد ۱۳۸۴، اجتهاد و سیر تاریخی آن، تهران، احسان.
32. هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۵، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

### قوانین

1. آئین نامه اجرای قانون گزینش و استخدام قضات مصوب فروردین ۱۳۷۹؛
2. قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳
3. ماده واحده اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۰،
4. قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱
5. قانون حمایت خانواده جدید (مصوب اسفند 1391
6. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

## Conditions and attributes of judgment in Imami jurisprudence and its application to the laws of the Islamic Republic of Iran

Ayatollah Ismaili<sup>2</sup>( Lecturer in the Department of Islamic Studies,Khatam Al-Anbiya Air Defense University,Tehran.Iran )

### **Abstract**

Judgment is one of the most important and serious matters of any society, the basis of every ruling and the composition of every opinion and decision is in the hands of the judge. In the religion of Islam and its religions, special features and conditions are considered for judgment. In Imami jurisprudence, the conditions and characteristics of judgment such as maturity, intellect, justice, Islam and productive purity are conditions and are obligatory and common. Judgment is one of the most important and emphasized issues in Islam, for the acceptance of which there are rules and recommendations in the Qur'an and hadiths. After the establishment, the Islamic Republic of Iran drew its laws based on the principles of Islamic jurisprudence. In this article, after stating the conditions and attributes of judges in the Qur'an and hadiths, the same characteristics are also mentioned in the laws of the Islamic Republic of Iran. The purpose of this article is to examine the characteristics and conditions of judges in Imami jurisprudence and then to review them According to the Islamic Republic of Iran, this research has been done by descriptive-analytical method and relying on library . The results of the research show that the laws of the country follow the jurisprudential sources and more efforts should be made for the implementation of public justice, science and knowledge, as well as the rights and independence of judges

**Keywords:** Judgment, Characteristics of Judiciary, Imami Jurisprudence, Laws of the Islamic Republic of Iran.

---